

مقدمه

زمانی پروین اعتصامی به کمال قدرت سخن خویش دست یافت که پرده سیاه ظلم و ستم و اختناق بر سراسر ایران کشیده شده بود. چکمه سنگین دیکتاتوری و دژخیمان هرزه‌اش بر سینه مردم فشار می‌آورد و نفسها را در سینه محبوس می‌کرد. زشت‌روبان و سیاهکاران پرورده دست رژیم پوسیده استبداد، به اشاره قدرت پوشالی امپریالیسم، در پناه سرنیزه و شلاق به بلندترین پایگاههای اداری و نظامی کشور نفوذ کرده بودند. در سیمای نفرت‌انگیز آن دوران، جز تسلط زور، غلبه حرص و رواج دروغ چیزی دیده نمی‌شد. فساد در همه شئون زندگی مردم رخنه کرده بود و جو مسموم، پرده آزر را به کنار زده بود. هیچ‌کس بر جان و مال و شرف و ناموس خود ایمنی نداشت. همه چیز در معرض خطر بود. مردم در خلوتهای زندگی خود نیز امنیت نداشتند.

یکی دو سال بعد از صدور فرمان مشروطه، با به توپ بستن مجلس شورای ملی نوپا، دوران استبداد صغیر آغاز شد. پس از چند سال جنگ داخلی و انقلاب مسلحانه، مشروطه‌خواهان شاه خودکامه را بیرون راندند، اما دولت قانونی و مجلس ملی در مقابل دخالت‌های مستقیم ارتشهای بیگانه کاری از پیش نمی‌برد. قوای روس و انگلیس در ایران برای خود مناطق نفوذ تعیین می‌کردند و آلمانیها و عثمانیها گاه آنها را به عقب می‌راندند. قشونهای مختلف ایرانی، آزادی‌خواه و دموکرات، سلطنت‌طلب و ایلات، به طرفداری و تحت حمایت این یا آن نیروی بیگانه با هم می‌ستیزیدند و جنگ و آشوب، ناامنی، فقر، بیماری، قحطی و مرگ و میر بر کشور سایه افکنده بود.

اما همین هرج و مرج و عدم وجود دولت متمرکز خودکامه زمینه آزاداندیشی و آزادی را برای دردمندان اهل قلم و کسانی که بر قدرتها بودند نه با قدرتها، فراهم کرده بود. یکی از این دردمندان دلسوز بر قدرت ایستاده تا ابدیت تاریخ، خانم پروین اعتصامی بود.

کلیدواژه‌ها: صفات پسندیده زنان، تحکیم خانواده، پروین اعتصامی.

موقعیت زنان در زمان پروین اعتصامی

استبداد، ظلم و جور سلسله قاجار ملت را به فلاکت کشانده بود. معدود وزیرانی آگاه و ترقی‌خواه، مانند قائم‌مقام فراهانی و امیرکبیر، توسط سلاطین خودکامه و اطرافیان حسودشان به کام مرگ می‌رفتند. سرانجام مردم پس از سالیان دراز از بی‌رحمی و شقاوت حکام به‌ستوه آمدند و با هدایت رهبران مذهبی و روشن‌فکران دلسوز، علیه حکومت سر به شورش برداشتند که به انقلاب مشروطیت در سال ۱۲۸۴ انجامید. پس از سرکوب کردن نهضت مشروطه به‌وسیله رخنه در صفوف مردم و برهم‌زدن اتحادشان توسط انگلیسیها که همیشه از شعار تفرقه بینداز و

زن از نگاه پروین اعتصامی

عدالت و اعتدال فرهنگ در حوزه زنان

رضوان رضوی، کارشناس ارشد ادبیات فارسی

استان چهارمحال و بختیاری شهرستان شهرکرد

۶۰

رشد ادبیات
دوره ۱۵
شماره ۱
پاییز ۱۳۹۰

حکومت کن بیشترین استفاده را برده‌اند، با دیکتاتور جدیدی به نام رضاخان، دوره‌ای تازه از ظلم و زورق و اختناق آغاز شد. این ظلم و جور تجاوز به حریم زنان را نیز که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند، شامل شد.

زنان در ایران از موقعیت والایی برخوردار نبودند. اگرچه با خانه‌داری، تربیت فرزندان و نیز در برخی نقاط کشور با شرکت فعال در تولید و یاری به درآمد خانواده، سهمی عمده در اداره زندگی خانواده به‌عهده داشتند، حقوقشان شناخته نشده بود. زنان در اواخر دوره قاجاریه نقش فعالی در جریان‌ات سیاسی و اجتماعی برعهده گرفتند. به‌عنوان نمونه، در جریان تحریم تنباکو زنان قوی‌ترین پشتیبانان آن بودند و چنان نفوذی اعمال کردند که تنباکو حتی در قصرهای سلطنتی به علت دستور و رأی زنان حرم‌سرای شاهی مصرف نمی‌شد.

در انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۴، زنان به موازات حرکت مردان در اعتراضات عمومی سهیم بودند، اما به علت عدم پیشرفت فکری و آموزشی، پاداش غیرعادلانه‌ای دریافت کردند. البته برخی تغییرات اجتماعی و سیاسی به ایجاد حقوق برای زنان، از جمله فعالیت انجمن‌های بانوان و بهبود وضع آموزشی و اجتماعی زنان انجامید که این تغییرات نیز مرهون مجاهدات بانوان طرف‌دار حقوق زنان بود، نه در نتیجه اقدامات رژیم؛ زیرا هدف رژیم بیشتر غربی کردن ظاهر زنان بود تا آموزش واقعی آنان.

صفات پسندیده زن از دیدگاه پروین

عفیف و پاکدامن و به دور از آلودگی، مایه آرامش خانواده، صبور و شکیبا، تسلیم و راضی در برابر امر الهی، متقی و دارای عصمت و استواری، غم‌خوار، مهرورز به دیگران، پیروی نکردن از هوی و هوس، علم‌اندوز، دارای عزت‌نفس و ساده و متین، از جمله صفات پسندیده زن از دیدگاه پروین اعتصامی است، زیرا اشعار پروین مملو از این مضامین عالی و انسانی است.

عفیف و پاکدامن به دور از آلودگی

زن سبکباری نبیند تا گران سنگ است و پاک
پاک را آسیبی از آلوده و دامانی نبود
زن چو گنجور است و عفت گنج و حرص و آزا، درد
وای اگر آگه از آیین نگهبانی نبود

کمک بدون منت به دیگران و انفاق برای خدا

بزرگی داد یک درهم گدا را
که هنگام دعا یاد آر ما را
یکی خندید و گفت این درهم خرد
نمی‌ارزید این بیع و شری را
روان پاک را آلوده می‌پسند

حجاب دل مکن روی و ریا را
مکن هرگز به طاعت خودنمایی
برای زین خانه، نفس خودنما را
بزن دزدان راه عقل را راه
مطیع خویش کن حرص و هوی را
چه دادی جز یکی درهم که خواهی
بهشت و نعمت ارض و سما را
مشو گرره‌شناسی، پیرو و آز
که گمراهی است راه، این پیشوا را
نشاید خواست از درویش پاداش
نباید کشت، احسان و عطا را
صفای باغ هستی، نیک‌کاری است
چه رونق، باغ بی‌رنگ و صفا را
به نومیدی در شفقت گشودن
بس است امید رحمت، پارسا را
تو نیکی کن به مسکین و تهیدست
که نیکی خود سبب گردد دعا را
از آن بزم‌ت چنین کردند روشن
که بخشی نور، بزم بی‌ضیا را
از آن بازوت را دادند نیرو
که بشناسی زهم درد و دوا را
مشو خودبین که نیکی با فقیران
نخستین فرض بوده‌ست اغنیا را
ز محتاجان خبرگیر، ای که داری
چراغ دولت و گنج غنا را
به وقت بخشش و انفاق، پروین
نباید داشت دل جز خدا را

و یا

اندر آن دل که خدا حاکم و سلطان شد
دیگر آن دل نشود جای کس دیگر

مایه آرامش

در آن سرایی که زن نیست، انس و شفقت نیست
در آن سرای که دل مرده، مرده است روان

صبور و شکیبا

در این دو روزه هستی همین فضیلت ماست
که جور می‌کند ایام و شکیباییم
ز سرد و گرم تنور قضا نمی‌ترسیم
برای سوختن و ساختن مهیاییم

رضا و تسلیم در برابر امر الهی

پرده اشک را براند از میان
تا ببینی سود کردی یا زیان
ما گرفتیم آن چه را انداختی
دست حق را دیدی و نشناختی
در تو تنها عشق و مهر مادری ست
شیوه ما عدل و بنده پروری است
نیست بازی کار حق، خود را مبارز
آن چه بردیم از تو باز آریم، باز

مظهر تقوا

فرشته بود زن آن ساعتی که چهره نمود
فرشته بین که بر او طعنه می زند شیطان

و یا

چو آب و رنگ فضیلت به چهره نیست چه سود
زرنگ جامه زریفت و زیور درخشان
برای گردن و دست زن نکو، پروین
سزاست گوهر دانش نه گوهر الوان

رکن اصلی و تحکیم بخش اساس خانواده

زن از نخست بود رکن خانه هستی
که ساخت خانه بی پای بست و بنیان؟
از لانه هیچ گاه نگردید تنگدل
کاین خانه بس فراخ و بسی پاک و روشن است
با مرغ خانه، مرغ هوا را تفاوتی است
بال و پر شما نه برای پریدن است

قانع و بی نیاز

حساب خود نه کم گیر و نه افزون
منه پای از گلیم خویش بیرون
اگر زین شهر، کونه داری انگشت
نکوید هیچ دستی بر سرت مشت
و یا قناعت کن اگر در آرزوی گنج قارونی
گدای خویش باش ار طالب ملک سلیمانی

پیروی نکردن از هوا و هوس

نفس جان، دزد، نه گاو و گوسفند
جز به بام دل نیندازد کمند
تا نیفتادی در این ظلمت ز پای
روشنی خواه از چراغ عقل و رأی

آدمی خوار است حرص خودپرست
دست او بر بند تا دستیت هست
گرگ راه است این سیه دل رهنمای
بشکنش سر، تا تو را نشکسته پای

پاک و ساده

جلوه صد پرنیان چون یک قبابی ساده نیست
عزت از شایستگی بود از هوسرانی نبود
سادگی و پاکی و پرهیز یک، یک گوهرند
گوهر تابنده تنها گوهر کانی نبود
زن سبکساری نبید تا گران سنگ است و پاک
پاک را آسیبی از آلوده دامانی نبود
پا به راه راست باید داشت کاندرا راه کج
توشه ای و رهنمودی جز پشیمانی نبود

دارای عزت نفس

اگر روی طلب ز آیینة معنی نگردانی
فساد از دل فروشویی، غبار از جان برافشانی
هنر شد خواسته تمیز بازار و تو بازرگان
طمع زندان شد و پندار زندانیان، تو زندانی
یکی دیوار ناستوار بی پایه است خودکامی
اگر بادی وزد ناگه گذارد رو به ویرانی
در این دریا بسی کشتی برفت و گشت ناپیدا
ترا اندیشه باید کرد زین دریای طوفانی
قناعت کن اگر در آرزوی گنج قارونی
گدای خوش باشی ار طالب ملک سلیمانی
مترس از جان فشانی گر طریق عشق می پویی
چو اسماعیل باید سر نهادن روز قربانی

زن و ظلم ستیزی

زمانی که رضاخان بر این مملکت حکومت می کرد (زمانه پروین)،
قانون گذاران قانون را چنان نوشته بودند که فرزانه خون دل بخورد،
جاهل فرمان روا باشد، آزاده در بند به سر برد، فاسق و فاجر بر هستی و
ناموس ملتی مسلمان حاکم شود. در این سرزمین مخوف، انسانهای
آزاده راه به جایی نداشتند. یا باید تسلیم زور و تباهی می شدند یا باید
مبارزه می کردند و ثمره این مبارزه را هم که زندان، شکنجه و مرگ
بود، می پذیرفتند. در همین زمان بود که چادر از سر زنان مسلمان
می کشیدند و عمامه از سر روحانیون پاکبخته برمی داشتند و اسمش
را می گذاشتند تمدن و ترقی. انقلاب اسلامی ایران در واقع واکنشی
بود به همان تمدن منفور؛ انقلابی که به رهبری رادمردی خدایی،
امام خمینی (ره)، آغاز شد و به پیروزی رسید.



سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دانشگاه فرهنگستان

دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله های رشد آشنا شوید

مجله های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می شوند:

مجله های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

رشد کودک (برای دانش آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)

رشد نوآموز (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره دبستان)

رشد دانش آموز (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره دبستان)

رشد نوجوان (برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)

رشد جوان (برای دانش آموزان دوره متوسطه و پیش دانشگاهی)

مجله های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ♦ رشد تکنولوژی

آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله های بزرگسال و دانش آموزی تخصصی

(به صورت فصل نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

- ♦ رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- ♦ رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره متوسطه) ♦ رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست شناسی ♦ رشد آموزش زمین شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه ای ♦ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش جویان مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

در این وادی زنان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دادند، با الگو گرفتن از فاطمه زهرا(س) هیچ گاه منکوب و تسلیم زور و تزویر نشدند و در همه زمانها به شکلهای گوناگون اعتراض و فریاد خود را به همه عصرها و نسلها رساندند. زنان همیشه به عنوان پرچمدار ظلم ستیزی، حتی مردان را نیز به صحنه های مبارزه هدایت می کردند. در ادامه، دو نمونه از شعرهای پروین را که دیدگاه ظلم ستیزی در آنها متجلی است، با هم می خوانیم:

۱. اشک یتیم

روزی گذشت پادشاهی از گذرگهی
فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست
پرسید زان میانه یکی کودک یتیم
کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست
آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست
پیداست آن قدر که متاعی گران بهاست
نزدیک رفت پیرزنی کوزپشت و گفت
این اشک دیده من و خون دل شماست
ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است
این گرگ سالهاست که با گله آشناست
آن پارسا که ده خرد و ملک، رهزن است
آن پادشاه که مال رعیت خورد گداست
بر قطره اسرشد یتیمان نظاره کن
تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست
پروین، به کجروان سخن از راستی چه سود
کوان چنان کسی که نرنجد ز حرف راست

۲. دو قطره خون

هزار قطره خون در پیاله یک رنگاند
تفاوت رگ و شریان نمی کند اثری
ز ما دو قطره کوچک چه کار خواهد خاست
بیا شویم یکی قطره بزرگتری
به خنده گفت میان من و تو فرق بسی است
تویی ز دست شهی من از پای کارگری
برای همهری و اتحاد با چو منی
خوش است اشک یتیمی و خون رنجبری
تو را به مطبخ شه پخته شد همیشه طعام
مرا به آتش آهی و آب چشم تری

۳. ای رنجبر

تو از فروغ می ناب سرخ رنگ شدی
من از نکوهش خاری و سوزش دگری



جهاد اقتصادی

برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واريز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراب آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دوروش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واريزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه‌دارید).

◆ نام مجلات در خواستی:

.....

◆ نام و نام خانوادگی:

◆ تاریخ تولد:

◆ میزان تحصیلات:

◆ تلفن:

◆ نشانی کامل پستی:

◆ استان:

◆ شهرستان:

◆ خیابان:

◆ شماره فیش:

◆ مبلغ پرداختی:

◆ پلاک:

◆ شماره پستی:

◆ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

◆ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

◆ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

◆ اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۹۶۰۰۰ ریال

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۶۰۰۰۰ ریال

تا یکی جان کندن اندر آفتاب ای رنجبر
ریختن از بهر نان از چهره آب ای رنجبر
زین همه خواری که بینی ز آفتاب و خاک باد
چیست مزدت جز نکوهش باغ عتاب ای رنجبر
از حقوق پایمال خویشتن کن پرسشی
چند می ترسی ز هر خان و جناب ای رنجبر
جمله آنان را که چون زالو مکندت خون بریز
و ندران خون دست و پای کن خضای ای رنجبر

در خور دانش امیران‌اند و فرزندانشان
تو چه خواهی فهم کردن از کتاب ای رنجبر

دولت چه شد که چهره ز درماندگان بتافت
اقبال از چه راه ز بیچارگان رمید
پروین توانگران غم مسکین نمی‌خورند
بیهوده‌اش مکوب که سردست این حدید

نتیجه

شعر پروین بار فرهنگی و عرفانی خاص خود را دارد و جلوه‌های یک روح پاک مسلمان را عرضه می‌دارد. هم‌چنین اشعارش پیرامون ارزش‌های اساسی و انسانی، مانند بزرگی، عدالت، درستی و پاکی دور می‌زند که درست همین کیفیتها یا فقدان آنها در قلب مشکلات ملت ایران در آن زمان وجود داشت.

ملک الشعرای بهار شاعر اوایل قرن بیستم درباره پروین می‌گوید: «اگر اشک سفر تنها یادگار این شاعره شیرین سخن بود، کافی بود کرسی ممتازی در دیوان شعر و شاعری و ادبیات راستین بدو تعلق گیرد.»

محمد اسحق نیز درباره پروین می‌گوید: «زندگی پروین نمونه یک زندگی ساده با افکاری بلند بود. او بانویی مترقی باارزش و خوش‌قلب بود. به دوستانش عاطفه زیاد نشان می‌داد، اما بخشی را نیز محفوظ نگه می‌داشت. زیر آن ظاهر آرام و متین، اراده‌ای آهنین نهفته بود. او از اولین طرفداران حقوق زنان در ایران بود، زیرا خود یکی از اعضا و بنیان‌گذار «مرکز بانوان» بود. در سال ۱۳۱۵ ه. ش، وزیر فرهنگ وقت مدال درجه سوم را به او اهدا می‌نماید، اما پروین با سربلندی تمام آن را نمی‌پذیرد.

عدم قبول عنوان معلم خصوصی ملکه یکی دیگر از این‌گونه استنکاف‌هاست که هرگز نباید از یاد برد. اتخاذ چنین موضعی بسیار سخت و دشوار است؛ آن هم دستور مستقیم رضاخان قلندر که مظهر خشونت و ارباب و امرش مطلع بود. متملقین و انسانهایی حتی در همین لباس اهل قلم آرزومند گرفتن صله و خلعت آن هم از دست ملوکانه بودند و برای این منسبت لحظه‌شماری می‌نمودند.